

<b>Aa</b>	
a clean bill of health (exp.)	برگه ی سلامتی
a fair/good bit (exp.)	بسیار (مثلاً: او بسیار وزن کم کرده است!)
a fate worse than death (exp.)	سرنوشت بدتر از مرگ
a matter of life and/or death (exp.)	مسأله ی مرگ و زندگی - مسأله ی حیاتی
a new lease on life (exp.)	روحیه ی جدید و باطراوت برای زندگی (مثلاً: او با اینکه مردی ۶۰ ساله است ولی بازی گلف روحیه و نشاط جدیدی به زندگی او بخشیده است!)
a new life (exp.)	شروعی دوباره- زندگی جدید
abbreviation (n.)	مُخفف
Abigail Sin (n.)	نام نقاش اهل سنگاپور؛ که در ده سالگی نام او بعنوان یکی از اعجوبه های کوچک آسیا در مجله تایم آمده بود
abolitionist (n.)	طرفدار الغای بردگی
Abraham (n.)	حضرت ابراهیم
absence (n.)	غیاب- فقدان (مثلاً: فقدان هوای تازه)
absolute (adj.)	مطلق - کامل (مثلاً: سکوت مطلق)
absorb (v.)	مجنوب شدن
abusive (adj.)	بد دهن (مثلاً: آدم بد دهن)
accelerate (v.)	(ماشین و...) شتاب گرفتن
accomplished (adj.)	ماهر- چیره دست
accountancy (n.)	حسابداری
accrue (v.)	(بهره ی پول و...) اضافه کردن یا شدن
accumulate (v.)	انباشتن - جمع کردن
acknowledge (v.)	اعتراف کردن- تصدیق کردن
acupuncture (n.)	طب سوزنی
acute (adj.)	(حس شنوایی و...) تیز- زیرک
adequate (adj.)	کافی- مناسب
adjust (v.)	(خود را با شرایط جدید و...) وفق دادن
administer (v.)	اداره کردن - مدیریت کردن
administration (n.)	مدیریت
advance (v.)	پیشروی کردن - پیشرفت کردن
advantage (n.)	مزیت - برتری
be at an advantage (n.)	(نسبت به کسی دیگر) برتری داشتن
advent (adj.)	ظهور- پیدایش (مثلاً: ظهور رایانه)
adverse (adj.)	نامطلوب - مُضر (مثلاً: اثرات نامطلوب)
affection (n.)	عاطفه - محبت
affinity (n.)	(بین دو نفر) رابطه ی نزدیک- وابستگی
affluent (adj.)	ثروتمند- مُرفه
after all (exp.)	علیرغم چیزهای گفته یا برنامه ریزی شده
afterlifen (n.)	آخرت (زندگی پس از مرگ)
age (v.)	پیر و سالخورده شدن
age-old (adj.)	قدیمی- دیرینه (مثلاً: مشکل دیرینه ی فقر)
aging (n.)	پیری - سالخوردگی
agreeable (adj.)	(انسان) خوشایند- خوب
ailment (n.)	بیماری مزمن
alabama (n.)	ایالت آلاباما واقع در جنوب شرقی آمریکا
algae (n.)	جلبک - خزه
all but (exp.)	تقریباً
(all) on one's own (exp.)	تنها
Allah (n.)	خدا
allegation (n.)	ادعا - اظهار
allowance (n.)	۱- پول تو جیبی ۲- سهمیه- مقرری
alternative (adj.)	جایگزین - دیگر (مثلاً: راه حل دیگر)
alternative medicine (n.)	روش های درمان پزشکی متفاوت با روش های درمانی معمولی مثل: طب سوزنی
altruistic (adj.)	(رفتار) نوع دوستانه- ایثار گرانه

alzheimer's disease (n.)	(بیماری) آلزایمر (آلزهایمر)
amass (v.)	(پول، اطلاعات و...) انداختن- جمع کردن
ambition (n.)	جاه طلبی - بلند پروازی
ambitious (adj.)	جاه طلب- بلند پرواز
ambivalent (adj.)	(احساس یا افکار) ضد و نقیض- مُردد (مثلاً: چیزی را همزمان هم دوست داشتن هم دوست نداشتن!)
amends (n.)	جبران (مثلاً: جبران اشتباه خود)
amicable (adj.)	دوستانه- مصالحه آمیز
amid (prep.)	درمیان- درحین
amoral (adj.)	غیر اخلاقی
anaesthetic (n.)	داروی بی حس یا بیهوش کننده
anaesthetist (n.)	متخصص بیهوشی
analgesia (n.)	بی حسی (عدم احساس درد)
analgesic (n.)	داروی درد کش (داروی ضد درد)
analytical (adj.)	تحلیلی (مثلاً: هندسه ی تحلیلی)
analyze (v.)	تجزیه و تحلیل کردن
Ancient Rome (n.)	روم باستان
anger (n.)	خشم- عصبانیت
animosity (n.)	دشمنی- خصومت
Anne Sullivan (n.)	معلمی که بیشتر شهرتش بخاطر این بود که معلم خصوصی هلن کلر بود
Annual Day of Caring (n.)	روز حمایت از افراد بی خانمان و فقیر (این مناسبت همه ساله در آخرین یکشنبه ماه فوریه برگزار میشود)
anticipation (n.)	انتظار (مثلاً: صف های انتظار تماشاگران)
antioxidant (n.)	آنتی اکسیدان
anxiety (n.)	دلوپسی - نگرانی
apiece (adv.)	هریک (مثلاً: قیمت هر بلیط ۱۰ دلار!)
appalling (adj.)	مخوف- رفت آمیز
apparel (n.)	پوشاک - البسه (مثلاً: پوشاک مردانه)
apparent (adj.)	اشکار- معلوم
apparently (adv.)	ظاهراً
Apple (n.)	اپل (شرکت سازنده سیستم های کامپیوتری دارای سیستم عامل مکینتاش)
Apple II (n.)	اولین ریز کامپیوتر که به صورت انبوه در سال ۱۹۷۷ توسط شرکت اپل تولید شد
applicable (adj.)	(قانون و...) قابل اجرا و اعمال
application (n.)	درخواست نامه - تقاضانامه
applied (adj.)	علمی - کاربردی
applied physics (n.)	فیزیک کاربردی
apply (v.)	۱- مرتبط بودن با ۲- درخواست کردن ۳- به کار بردن
appreciative (adj.)	قدرشناس - قدردان
apprehend (v.)	درک کردن - فهمیدن
apprehension (n.)	درک - فهم
aptitude (n.)	استعداد
arise (v.)	(از رخت خواب) بلند شدن یا برخاستن
Aristotle (n.)	ارسطو (فیلسوف یونانی)
aromatherapy (n.)	معالجه با ماساژ یا روغن معطر
aromatherapist	کسی که کارش ماساژ دادن یا درمان با استفاده از روغن های معطر است
around (prep.)	در اطراف - پیرامون
arranged marriage (n.)	ازدواج تحمیلی که بدون دخالت دختر و پسر صورت میگیرد و خانواده هایشان بجای آنها تصمیم میگیرند
arrogance (n.)	تکبر
artistic aprehension (n.)	درک هنری
as a matter of course/routine (exp.)	طبق روال عادی یا عادت همیشگی
(as) cool as cucumber (exp.)	(حتی در بدترین شرایط) خونسرد بودن